

احکام



شرعی

کفاره روزه و مقدار آن

س: آیا دادن پول یک مدّ طعام به فقیر تا با آن غذایی برای خودش بخرد، کافی است؟

ج: اگر اطمینان داشته باشد که فقیر به و کالت از او طعام خریده و سپس آن را به عنوان کفّاره قبول می‌کند، اشکال ندارد.

س: اگر شخصی وکیل در غذا دادن به عده‌ای از مساکین شود، آیا می‌تواند اجرت کار و یختن غذا را از اموالی که به عنوان کفّاره به او داده شده است، بردارد؟

ج: مطالبه‌ی اجرت کار و پخت غذا برای وی جایز است، ولی نمی‌تواند آن را بابت کفّاره حساب نماید و یا از اموالی که باید به عنوان کفّاره به فقرا داده شود، بردارد.●

انسان



۲۵۰ ساله

دنیا در چشم امیر المؤمنین (علیه‌السلام) سبک تر از بند کفش بود

بعد از شهادت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، به مناسبتی نام آن بزرگوار در محضر ابن‌عباس به زبان آمد. ابن‌عباس گفت: «والسّافه علی ابی الحسن؛ والسّافه علی ابی‌الحسن مضی و الله ما غیر و لا بدل و لا قصر و لا جمع و لا منع و لا آخر الا الله»؛ برای خودش چیزی جمع نکرد. چیزی برای خودش هیچ کار مادی نکرد. چیزی را مگر خدا ترجیح نداد. در همه‌ی کارها، قصدش خدا بود. هدف او فقط و فقط کسب رضایت خدا بود. مصداق آیه‌ی شیربفهی «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رؤوف بالعباد» که اول خطبه خواندم، امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است. بعد، ابن‌عباس گفت: «والله لقد کانت الدنیا اھون علیہ من شسع نعلہ»؛ به خدا دنیا و ایسن زینت‌ها و زخارف و ثروت‌ها و خوشی‌های آن، در چشم او کوچک‌تر و سبک‌تر از بند کفش او بود. «لیث فی الوقی»؛ در میدان جنگ، شیر درنده بود.

«بحر فی المجالس»؛ وقتی‌که جای گفتگو و افاده و علم و معرفت بود، دریا بود. «حکیم فی الحکماء»؛ اگر حکمای عالم جایی جمع می‌شدند، در میان آنها، کسی که حکمت را باید از او بیاموزند، علی بود. «میہات قد مضی الی الدرجات العلی».

۷/۱/۷

قدر این ضیافت الهی را بدانید

این ضیافت خیلی لطافت و ظرافت دارد، این را باید قدر بدانیم ما. این ادعیه‌ای که وارد شده است در ماه مبارک رمضان و در ماه شعبان اینها راهبر ماست به مقصد، به تعبیر شیخ ما

بدهد. ماه مبارک می‌تواند که انسان را موفق به بسیاری از امور بکند. ماه مبارک می‌تواند انسان را طوری بکند که تا ماه مبارک دیگر یا تا آخر، دیگر کنترل بشود و تخطی از آنچه رضای خداست نکند.●

امام خمینی (ره):۹۰ خرداد ۱۳۶۳

تفسیر



قرآن

وقتی تقوا پیشه کردید

کور ره راه‌ها عقب خواهد رفت

اگر از این راه رفتید، آن وقت نتایج خوبی به دست شما خواهد رسید که آن نتایج را هم خدا در قرآن مکرّر در آیات متعدّد قرآنی بیان کرده: اَتَقْوُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُونَ؛ (۱) رحمت الهی؛ لَعَلَّکُمْ تَقْلِحُونَ (۲) -فلاح یعنی رستگاری- اگر تقوا بود، رستگاری برای انسان پیش می‌آید؛ لَعَلَّکُمْ تَهْتَدُونَ؛ (۳) -که در بعضی از آیات هست- تقوا موجب هدایت است، وقتی تقوا پیشه کردید، مشکلات، کوره‌ها‌ها از جلوی شما عقب خواهد رفت و راه درست برای شما روشن خواهد شد. اگر تقوا داشته باشید، موجب فراقان است: یَجْعَلْ لَّکُمْ فُرْقَانًا؛ (۴) فراقان یعنی قدرت تشخیص؛ [این] خیلی مهم است. ما در همه‌ی مسائل زندگی نیاز داریم به قدرت تشخیص که راه درست را از نادرست، حق را از باطل تشخیص بدهیم.● ۹۸/۲/۲۴

(۱) سوره‌ی حجرات، بخشی از آیه‌ی ۱۰

(۲) از جمله، سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸

(۳) از جمله سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۵۳

(۴) سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۲۹

خاطرات



رهبری

روایت رهبر انقلاب از روز فتح خرمشهر

در مورد فتح خرّمشهر، اغلب شما جوان‌ها آن روز نبودید یا اگر هم بودید کودک بودید خیلی، کوچک بودید؛ روز فتح خرّمشهر حادثه‌ی عظیمی بود. شاید هنوز چند ساعت از خبر نگذشته بود که بنده‌از اساختمان آریاست جمهوری می‌رفتم طرف بیت امام که خدمت امام (علیه‌السلام) برسم. در این خیابان و سر راه، مردم غوغا کرده بودند؛ مثل یک راه‌پیمایی، مثل یک تظاهرات ایودا. ماشین ما را که می‌دیدند، می‌آمدند جلو تبریک می‌گفتند. در همه‌ی کشور یک جشن عمومی خودجوش به وجود آمد؛ مسئله این قدر مسئله‌ی مهمّی بود. البته مردم آن روز غالباً نمی‌دانستند چه اتفاقی افتاده است که این فتح به وجود آمده. از آن فداکاری‌ها، از آن ریزه‌کاری‌ها، از آن تلاش‌های عجیب و باورنکردنی، مردم اطلاع نداشتند.● ۹۵/۲/۳

دنیا در چشم امیر المؤمنین (علیه‌السلام) سبک تر از بند کفش بود	شهادت حضرت امیرالمومنین (علیه‌السلام) بر همه مسلمانان جهان تسلیت باد
هفته‌نامه خبری -تبیینی نمازهای جمعه، مساجد و هیئت‌های مذهبی شماره ۱۸۵ هفته‌اول خرداد ۹۸	شهادت حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بر همه مسلمانان جهان تسلیت باد



شش گفتار مهم در باره «ولایت»

رهبر انقلاب در دیدار با مسئولان نظام، بار دیگر نسبت به معضل بزرگ اقتصاد کشور هشدار دادند

سرّ مِ نفت

دوبلای اقتصاد ایران

در ایران پیش از انقلاب اسلامی امامتأسفانه به دلیل حاکمیت خاندانی وابسته به بیگانه به نام "پهلوی" و به تبع آن روی کار آمدن کارگزارانی خودباخته، مسیر پیشرفت اقتصادی آنگونه که باید پیش نرفت. به همین دلیل، به جای آنکه مبنای اقتصاد کشور مبتنی بر کشف و تولید فناوری‌های صنعتی باشد، صرفاً به صنعت مونتاژ (آن هم در پایین‌ترین سطح خود)، و فروش هر چه بیشتر نفت خام روی آورد و نتیجه آن شد که اقتصاد ایران، روز به روز بیشتر وابسته به بیرون شد.

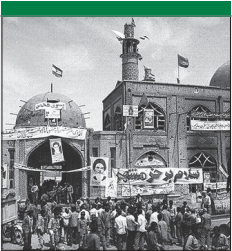
در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۴ گروهی از مشاوران آمریکایی معروف به گروه مشاوران هاروارد به دعوت وزیر اقتصاد وقت، به ایران آمدند تا به بررسی مشکلات اقتصادی ایران و راهبردهای توسعه‌ی اقتصادی بپردازند. آنها بعداً نتایج پژوهش‌های میدانی خود را در کتابی با عنوان "برنامه‌ریزی در ایران" چاپ کردند. از نظر این مشاوران، مشکل اصلی اقتصاد ایران، مشکلات مربوط به نظام اداری و به‌خصوص نظام مالی دولت (نظام بودجه‌ریزی) بود که آن هم ریشه در ابتدائی ساختار کشور و وابستگی بی‌محابا به نفت داشت. در واقع بدن اقتصاد ایران در

طی سال‌های پس از کشف نفت، مانند بدن بیماری بوده که به‌زور سرّم سراپانگه داشته‌شده‌است و چون اعضای آن ترمیم نشده‌اند، با قطع سرم احساس درد زیادی می‌کنند.

انقلاب اسلامی گرچه موجب شد رویکرد اقتصادی کشور از وابستگی به بیرون، به سمت خودکفایی و بومی‌سازی صنعت حرکت کند، اما متأسفانه هم‌چنان معضل بزرگ اقتصاد کشور، یعنی وابستگی به سرم نفت، از میان برداشته‌نشد. از طرف دیگر، دولت‌هانیز چون توان تسلط بر هر حوزه‌ای را با استفاده از همین درآمد نفتی در خود می‌دیدند، در عمل تاحد زیادی در اقتصاد دخالت می‌کردند و این گونه بود که اقتصاد ایران، در کنار اقتصاد نفتی، به‌بلایی دیگر، یعنی اقتصاد دولتی نیز مبتلا شد. اما اقتصاد نفتی چه بلایی بر سر کشور می‌آورد؟ بی‌آمدهای سوء اقتصاد نفتی متعدد است از جمله اینکه، وقتی نظام اقتصادی مبتنی بر درآمد و رانت نفتی شد، هر دولتی که روی کار باشد، خود را نیازمند منابع درآمدی متداول و پایدار اقتصادی که از طریق فعال کردن چرخه‌ی تولید در اقتصاد است نمی‌بیند. می‌شود ماجرای همان «بچه پولدار ملی» که پول را راحت به دست آورده‌است و راحت هم از دست می‌دهد و بنابراین انگیزه‌ای در جهت "رونق کسب و کار و تولید" ندارد. چرا که در اقتصادهای دنیا دولت برای کسب درآمد، ساختارهای اقتصادی را طوری تنظیم می‌کند که فضای تولید در کشور برای مردم و بخش خصوصی تسهیل شده و با ایجاد کمترین مانعی شکل بگیرد.(۴)

ملت ایران! به این جوانان افتخار کنید | این شماره تقدیم می‌شود به ارواح طیبه شهدای مقاومت خرمشهر*

محمّد جهان‌آرا و دیگر جوانان مادر مقابل نیروهای مهاجم عراقی – یک لشکر مجرّه زرهی عراقی با یک تیپ نیروی مخصوص و با نود قبضه توپ که شب و روز روی خرمشهر می‌بارید – سی و پنج روز مقاومت کردند. همان‌طور که روی بغداد موشک می‌زدند، خمپاره‌ها و توپ‌های سنگین در خرمشهر روی خانه‌های مردم مرتّب می‌باریدند. با این حال جوانان ماسی و پنج روز مقاومت کردند؛ اما بغداد سه روزه تسلیم شد! ملت ایران! به این جوانان و رزمندگانِتان افتخار کنید. بعد هم که می‌خواستند خرمشهر را تحویل بگیرند، دوباره سپاه و ارتش و بسیج با نیرویی به‌مراتب کمتر از نیروی عراقی رفتند خرمشهر را محاصره کردند و حدود پانزده هزار اسیر در یکی دو روز از عراقی‌ها گرفتند. ● ۸۲/۱/۲۲



از صدا و سیما گله‌مندم

راجع به زبان، بنده حقیقتش آ این است که آنگرانم؛ واقعاً نگرانم. حالا در زمینه‌ی شعر ی خوشبختانه شعرهایی که شماها می‌گویید، خب شعر خوب، و زبان، زبان استوار است، اما در جریان عمومی، زبان دارد دچار فرسایش می‌شود؛ این را آدم می‌بیند. حالا امشب یکی از برادرها از رادیو بودند و یک چیز خوبی را نقل کردند برای من، لکن من از صدا و سیما گله‌مندم به خاطر اینکه به جای اینکه زبان صحیح را، زبان معیار را، زبان صیقل‌خورده‌ی کاملاً درست را ترویج کنند، زبان بی‌هویت، گاهی غلط، تعبیرهای غلط و بدتر از همه پُر از تعبیرات فرنگی و خارجی و مانند اینها را دارند ترویج می‌کنند. وقتی مثلاً فلان لغت فرنگی را که حالا یک نویسنده‌ای، یک مترجمی - که ترجمه می‌کرده یک مقاله‌ی انگلیسی یا فرانسوی را- آورده و عیناً به کار برده، و مجری شما این را در تلویزیون، در رادیو یک بار، دوبار تکرار می‌کند، این میشود عمومی؛ مایخود و مُقتلَمُت داریم زبان خودمان را آلوده می‌کنیم به زوائد مضر. ● ۹۸/۲/۳

کشور باید دارای برنامه خوب اقتصادی باشد

امروز، مشکل عمده و نقد کشور فعلاً مشکل اقتصادی است. علّتش هم فشار بر مردم است دیگر، فشار بر معیشت مردم بخصوص طبقات ضعیف است... مردم و ضعفا در جامعه زیر فشار قرار می‌گیرند، دشمن [هم] طمع می‌کند؛ یکی از اشکالات کار این است که دشمن طمع می‌کند و امید می‌بندد؛ اعتبار کشور هم کاهش پیدا می‌کند، یعنی واقعاً اگر [مشکل اقتصادی و نداشتن برنامه‌ی خوب اقتصادی و پیشرفت اقتصادی در هر کشوری وجود داشته باشد، اعتبار آن کشور را لطمه می‌زند؛ لذا واقعاً باید به مسئله‌ی اقتصاد به طور جدّی پرداخت، و عرض می‌کنیم هیچ بن‌بستی هم به معنای واقعی کلمه در اینجا وجود ندارد، یعنی واقعاً هیچ بن‌بستی نیست؛ بله، مشکلات هست، موانع هست اولی [بن‌بست وجود ندارد]. ● ۹۸/۲/۲۴

در مواجهه با دشمن چه کاری باید انجام داد؟

در مواجهه‌ی با دشمن، شعار جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی «مقاومت» است. دشمن می‌خواهد تجاوز کند، پیشروی کند؛ دو راه در مقابل این دشمنی که می‌خواهد دائم پیش بیاید وجود دارد: یک راه این است که شما عقب بروید؛ تا شما عقب بروید او پیش می‌آید، هر چه شما عقب بروید او پیش می‌آید؛ یک راه هم این است که بایستید، مقاومت کنید، و تجربه‌ی خود ما در جمهوری اسلامی - به تجربه‌های تاریخ و صدر اسلام و مانند اینها نمی‌خواهیم تمسّک کنیم- نشان می‌دهد که مقاومت در مقابل دشمن جواب می‌دهد؛ هر جا ما مقاومت کردیم جواب گرفتیم؛ در دفاع مقدّس، در بخش‌های گوناگون، در تحریکات امنیتی که علیه ما می‌کردند، در مسائل اقتصادی. یک روزی درآمد سالانه‌ی نفت ما در طول سال - که تنها امکان درآمدزایی هم نفت بود - حدود شش میلیارد بود؛ دیگر از این سختی بالاتر؟ البته آن وقت جمعیت کشور خیلی کمتر از حالا بود اما باز هم پنج میلیارد و شش میلیارد درآمد برای کشور چیزی نبود؛ توانستیم بایستیم، مقاومت کردیم، مردم ایستادند. ● ۹۸/۲/۲۴

شش گفتار مهم درباره ولایت

از بالا خیابان مشهد که به سمت حرم امام رضا (ع) می‌روی ترسیده به حرم دقیقاً سر چهارراه شهدا مسجد پر رفت و آمدی است که زائران و مجاوران علی بن موسی الرضا (ع) پیش یا پس از زیارت آنجا را برای اقامه نماز انتخاب میکنند: مسجد کرامت. مسجدی است که در سالهای پیش از انقلاب یکی از مراکز اصلی مبارزه مردم مشهد علیه رژیم پهلوی بوده است. ماه رمضان سال ۵۳ برای اهالی این مسجد و امام جماعتش اگر چه همراه با بشارت فرار سیدن ماه مهمانی خدا بود اما شدت و سخت گیری ساواک در ممانعت از برگزاری جلسه قرآن و سخنرانی کام آنان را تلخ نمود. ساواک، حاجی کرامت بانی مسجد را احضار کرده بود و هشدار داده بود که سیدعلی خامنه‌ای از این پس حق سخنرانی در مسجد را ندارد؛ و همین مقدمه‌ای شد برای بازگشت استاد خامنه‌ای به مسجد قدیمی تر و کوچک تر مشهد: مسجد امام حسن. همین بازگشت جلسات سخنرانی و درس و معرفت ایشان به مسجد امام حسن و حضور مشتاقان و علاقمندان هم باعث شد مسجد امام حسن علیه السلام بعدها به پیشنهاد امام جماعتش توسعه پیدا کند و حتی از مسجد کرامت هم بزرگ تر و پررونق تر شود. این بار جلسه ی قرآن در مسجد امام حسن برگزار می‌شد با عنوانی جذاب تر و محتوایی گیرا تر: «طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن». این جلسات چهار سرفصل اصلی داشت: ایمان، توحید، نبوت و ولایت، و فرصتی برای طرح سرفصل پنجم با موضوع امامت هم دست نداد. شش جلسه‌ی پایانی، که به موضوع ولایت اختصاص داشت، در سال‌های بعد از انقلاب بارها در قالب جزوه و کتابچه منتشر شده است. نشریه‌ی **خط حزب الله** در اطلاع نگاشت این هفته به اختصار، به این شش گفتار مهم پرداخته است.

گفتار اول. پیامبران و کارخانه آدم‌سازی

گفتیم که پیغمبر می‌آید برای "به تکامل رساندن انسان" می‌آید برای کامل کردن و به اتمام رساندن مکارم اخلاق. از چه راهی و از چه وسیله‌ای پیغمبر استفاده می‌کند برای ساختن انسان؟ چه جوری انسان‌ها را پیغمبر می‌سازد؟ [آیا] مدرسه درست می‌کند؟ مکتب فلسفی درست می‌کند؟ [آیا] پیغمبر صومعه و جایگاه عبادت درست می‌کند؟ گفتیم که نه؛ پیغمبر برای ساختن انسان، "کارخانه‌ی انسان‌سازی" درست می‌کند. پیغمبر تر جیح می‌دهد که ده سال، بیست سال، دیر تر موفق بشود؛ اما آنچه می‌سازد، یک انسان و دو انسان و بیست تا انسان نباشد؛ کارخانه‌ی انسان‌سازی درست کند که به‌طور خود کار انسان کامل پیغمبر پسند تولید دهد. کار خانهٔ انسان‌سازی چیست آقا؟ کار خانهٔ انسان‌سازی، جامعه و نظام اسلامی ست. اینجا آن نقطه‌ی پیچ، نقطهٔ اساسی توجه و تکیه‌ی حرف است. آنچه که با دقت باید فهمید، این است که پیغمبر یکی یکی گوش انسان‌ها را نمی‌گیرد به یک کنج خلوتی برود، در گوش‌شان زمزمه‌ی مهر خدا بنوازد. پیغمبر ها مکتب علمی و فلسفی تشکیل نمی‌دهند تا یک مشّت شاگرد درست کنند، این شاگرد ها را بفرستند تا مردم را در اقطار عالم هدایت کنند. پیغمبر کارش از این قرص و قائم‌تر، استوار تر و ریشه دار تر است. چه کار می‌کند؟ یک کارخانه‌ای که از آن کارخانه جزا انسان بیرون نمی‌آید، می‌سازد و آن کارخانه، "جامعه‌ی اسلامی" است.

گفتار دوم. بعد اول و ولایت: به هم پیوستگی مؤمنین

یک عده و یک جبهه را پیغمبر به وجود می‌آورد، اینها در میان چه جامعه‌ای دارند زندگی می‌کنند؟ در میان جامعه‌ی جاهلی. اگر بخوانند این جریان باریک، که به نام اسلام و مسلمان به وجود آمده، در میان آن جامعه‌ی جاهلی پُر تعارض و پُر زحمت باقی بماند. بایستی این مسلمان‌ها را... آن چنان به هم متصل و مرتبط کنند که هیچ عاملی نتواند اینها را از یکدیگر جدا کند...

مثل چه؟ مثل یک عده کوهنوردی که از یک راه صعب‌العبور کوهستانی دارند عبور می‌کنند... تا برسند به قله‌ی کوه. به اینها گفته می‌شود کمر بند هایتان را به هم ببندید، جدا جدا و تک تک حرکت نکنید که اگر تنها ماندید، خطر لغزیدن هست؛ حالت به هم بستگی شدید کوهنوردان، نمایشگر حالت به هم بستگی و جوشیدگی شدید مسلمانان آغاز کار است... این پیوستگی مسلمانان با یکدیگر، آیا در قرآن و حدیث نامی دارد، یا نه؟ بله؛ این نام، ولایت است، ولایت... در اصطلاح اولی قرآنی، ولایت یعنی به هم پیوستگی و هم جبهه‌گی و اتصال شدید یک عده انسانی که دارای یک فکر واحد و جویای یک هدف واحدند. هر چه بیشتر این جبهه باید افرازش به همدیگر متصل باشند و از جبهه‌های دیگر و قطب‌های دیگر و قسمت‌های دیگر خودشان را جدا و کنار بگیرند، چرا؟ برای اینکه از بین نروند، هضم نشوند. این را در قرآن می‌گویند ولایت.

گفتار سوم. بعد دوم و ولایت: قطع و ابستگی به غیر مسلمین

یکی از ابعاد دیگر ولایت آ این است که جامعه‌ی مسلمان، وابسته و پیوسته‌ی به عناصر خارج از وجود خود نباشد، پیوستگی به غیر مُسلم نداشته باشد. و البته این پیوسته نبودن و وابسته نبودن یک حرف است، به کلی رابطه نداشتن، یک حرف دیگر است. هرگز نمی‌گوییم که عالم اسلام در انزوای سیاسی و اقتصادی به سر بیردو یا هیچ یک از امت‌ها و کشور ها و قدرت‌های غیر مسلمان رابطه‌ای نداشته باشد؛ نه، این نیست مطلب. مسئله، مسئله‌ی وابسته نبودن است، پیوسته و دنباله رو نبودن است، در قدرت‌های دیگر هضم و حل نشدن است، استقلال و روی پای خودیستادن است.

گفتار چهارم. بعد سوم و ولایت: ارتباط و اتصال با ولی

یک جلوه‌ی دیگر از جلوه‌های ولایت که از همه مهم‌تر این است و ضامن بقای ولایت به معناهای اول و دوم هم همین است؛ این است که جامعه‌ی اسلامی نیازمند یک مرکز اداره کننده با شرایطی خاص است. اگر [جامعه اسلامی] بخواهد آن دورویه و دو بُعد و دو جانب ولایت را در خود تأمین بکند، محتاج است که یک مرکز فرماندهی مقتدری در درون خود داشته باشد تا همه‌ی عناصر فعال این جامعه، نشاط فکری و عملی خود را از آن مرکز الهام بگیرند. آن مرکزی که در بطن جامعه و متن جامعه‌ی اسلامی، همه‌ی جناح‌ها را اداره می‌کند، هر کسی را به کار لایق به شأن خودش مشغول می‌کند، از تعارض‌ها جلوگیری می‌کند، نیروها را به یک سمت هدایت می‌کند؛ او باید از سوی خدا باشد، باید عالم باشد، باید آگاه باشد، باید مأمون مصون باشد، باید یک موجود تبلور یافته‌ای از تمام عناصر سازنده‌ی اسلام باشد، باید مظهر قرآن باشد؛ اسم او را چه می‌گذاریم؟ اسم او را می‌گذاریم «ولی»... این هم یک بعد و یک بدنه و یک رویه‌ی دیگر از ابعاد مسئله‌ی ولایت.

گفتار پنجم. جامعه‌ی با ولایت چگونه است؟

ولایت یک جامعه به چیست؟ ولایت یک جامعه به این است که ولی در آن جامعه، اولاً مشخص باشد، بدانند که این است ولی، ثانیاً منشأ و الهام بخش همه‌ی نیروها، نشاط‌ها، فعالیت‌های آن جامعه باشد. قطبی باشد که همه‌ی جوی‌ها و سرچشمه‌ها از او سرازیر می‌شود. مرکزی باشد که همه‌ی فرمان‌ها را او می‌دهد و همه‌ی قانون‌ها را او اجرا می‌کند. نقطه‌ای باشد که همه‌ی رشته‌ها و نخ‌ها به آنها برگردد، همه به او نگاه کنند، همه دنبال او بروند. موتور زندگی را او روشن بکند در این جامعه، راننده و پیش‌قراول کاروان زندگی در جامعه، او باشد. این جامعه، جامعه‌ی دارای ولایت است.

گفتار ششم. معنای دقیق هجرت

تعهد الهی ما این است که ما خودمان را از قید و بند ولایت طاغوت رها کنیم، نجات بدهیم و برویم تحت سایه‌ی پر میمنت ولایت الله. خارج شدن از ولایت ظالم و وارد شدن به ولایت عادل، اسمش هجرت است... سؤال این است: آیا نمی‌توان در ولایت طاغوت بود و مسلمان بود؟... مسلمان زیستن، یعنی تمام امکانات و انرژی‌ها و نیروها و قدرت‌ها و استعداد های یک انسان، درست در اختیار خدا بودن... به‌طور کلی فرد، نمی‌تواند مسلمان باشد و وجودش، امکاناتش، انرژی‌هایش، همه‌ی قوه‌ها و نیروهایش و استعدادهایش، تحت فرمان خدا باشد، در حالی که در جامعه‌ی طاغوتی زندگی بکند، چنین چیزی ممکن نیست... پیغمبر هم هجرت کرد؛ اما قبل از آنی که پیغمبر هجرت بکند، دار الهجره‌ای تقریباً وجود نداشت، پیغمبر با هجرت خود، دار الهجره را ایجاد کرد. گاهی لازم می‌شود که گروهی از انسان‌ها با هجرت خود، نقطه‌ی شروع هجرت را آغاز کنند، جامعه‌ی الهی و اسلامی را بنیان گذاری کنند، به وجود بیاورند، دار الهجرهٔ ایجاد کنند، آن وقت مؤمنین به آنجا هجرت کنند.

①۳ به همین دلیل است که کشورهایی چون آمریکا و نروژ که دارای منابع بزرگ نفتی هستند، با فهم درست از اثرات ناشی از وابستگی ساختاری به منابع نفتی، علاوه بر استفاده از این منابع برای امور توسعه‌ای خود، اقدام به طراحی سازوکاری مقاوم بدون حضور درآمدهای نفتی در برنامه‌های سالانه و بودجه‌ای کرده‌اند و آسیب‌های ناشی از تغییرات قیمت و فروش این طلای سیاه را تقریباً به صفر رسانده‌اند.

هشدارهای رهبر انقلاب برای رهایی از اقتصاد نفتی

رهبر انقلاب با فهم دقیق از همین گزاره‌ها بوده که تقریباً از دو دهه پیش تا به الان، نسبت به جدایی ساختار بودجه‌ی کشور از نفت، هشدار داده‌اند و متأسفانه تسلط جریان تکنوکراسی در اقتصاد ایران، مانع از تحقق آن شده است. «اقتصاد مادچار این اشکال است که وابسته‌ی به نفت است، ما باید اقتصاد خودمان را از نفت جدا کنیم؛ دولت‌های ما در برنامه‌های اساسی خودشان این را بگنجانند. من هفده هجده سال قبل به دولتی که در آن زمان سر کار بود و به مسئولان گفتم کاری کنید که ما هر وقت اراده کردیم، بتوانیم در چاه‌های نفت را ببندیم. آقایان به قول خودشان "تکنوکرات" [بخندند] کار کردند مگر می‌شود؟! بله، میشود؛ باید دنبال کرد، باید اقدام کرد، باید برنامه‌ریزی کرد. وقتی به برنامه‌ی اقتصادی یک کشور به یک نقطه‌ی خاص متصل و وابسته باشد، دشمنان روی آن نقطه‌ی خاص تمرکز پیدای کنند.» ۹۲/۱/۱

هفته‌ی گذشته نیز رهبر انقلاب در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، بار دیگر به این موضوع اشاره کرده و فرمودند: «اقتصاد ما چند بیماری مزمن دارد که اینها را اگر بتوانیم در این برهه حل کنیم - این برهه‌ای که با مسئله‌ی نفت گلاویز هستیم و تحریم و این چیزها مطرح است- به نظر من اقتصاد ما جهش پیدا خواهد کرد. یکی مسئله‌ی وابستگی به نفت است. عیب بزرگ اقتصاد ما وابستگی به نفت است. ما این مایع را از زیر زمین در آورده‌ایم، بدون هیچ گونه ارزش افزوده‌ای این پول نقد را - مثل پول نقد است- داده‌ایم دلار گرفته‌ایم، خرج امور جاری و امور زندگی کرده‌ایم؛ آ این غلط است. این صندوق توسعه‌ای که ما تشکیل دادیم، به خاطر همین بود که ما بتوانیم بتدریج خودمان را از نفت جدا کنیم. الان هم فرصت خوبی است؛ یکی از کارهایی که واقعاً باید در برنامه‌ریزی‌های کلان مسئولین اقتصادی ما قرار بگیرد همین است؛ باید کاری کنیم که وابستگی به نفت

رو به روز کمتر بشود.» ۹۸/۲/۲۴

شرایط اخیر کشور، اگر چه از جنبه‌ای می‌تواند تهدید محسوب شود، اما با برنامه‌ریزی دقیق و منسجم، می‌تواند تبدیل به یک فرصت برای جهش و پیشرفت اقتصادی کشور شود. همان گونه که چینی‌ها و آلمانی‌ها از آن فرصت استفاده کردند. حل مشکلات و بیماری‌های اقتصادی ایران، کار چندان پیچیده‌ای نیست؛ اگر مسئولان و مدیران کشور، به جای نگاه به بیرون، به ظرفیت‌های داخل توجه کنند و برای حل این معضلات، شب‌روز زحمت‌کشند. ●